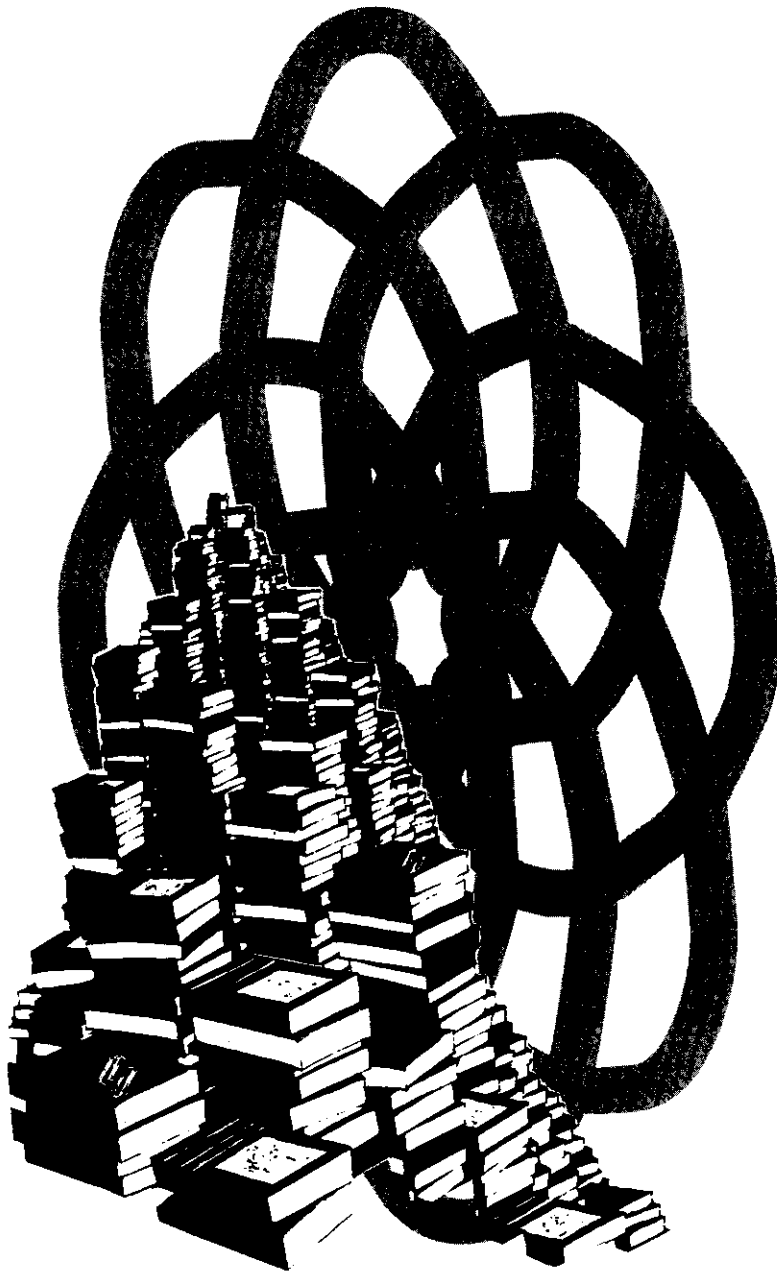


# بررسی شاخصهای کمی و کیفی کتابخانه‌های عمومی ایران و سایر کشورهای جهان

محمد اسماعیل ریاحی



□ این مقاله بخشی از یک پروژه تحقیقی است که نویسنده تحت عنوان بررسی ارتباط میان میزان توسعه فرهنگی و میزان کیفیت و کارایی کتابخانه‌های عمومی به سفارش مرکز پژوهش‌های کاربردی معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انجام داده و ضمن آن رشد و توسعه کتابخانه‌های عمومی ایران را بر حسب معیارهای توسعه فرهنگی مورد نقد و ارزیابی قرار داده است.

## پایین بودن تعداد کتابخانه‌های عمومی

در مقایسه با وضعیت کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته، تعداد کل کتابخانه‌ها و تعداد کتابخانه‌ها به ازای صد هزار نفر جمعیت، در ایران پایین است. طبق آمار موجود، در سال ۱۳۶۸/۱۹۸۹، در ایران ۵۰۱ واحد کتابخانه عمومی مشغول به فعالیت بوده‌اند، یعنی ۹ واحد به ازای هر صد هزار نفر جمعیت و یا به عبارت دیگر یک واحد کتابخانه برای ۱۰۸۱۸۹ نفر ایرانی. این در حالی است که در کشورهای ترکیه و مکزیک در همین سال به ترتیب ۸۵۴ و ۲/۲۶۹ واحد کتابخانه عمومی یعنی به ازای هر صد هزار نفر به ترتیب ۱/۵ و ۲/۷ واحد کتابخانه‌های عمومی و یا یک واحد کتابخانه برای ۶۶۴۴۱ نفر ترکیه‌ای و ۳۷۲۳۶ مکزیک، وجود داشته است.

همچنین در دانمارک و آلمان غربی به ترتیب ۷۰۵۴ و ۱۲۲۷۵ واحد کتابخانه عمومی دایر بوده است که سهم هر صد هزار آلمانی و دانمارکی به ترتیب ۱۹/۸ و ۱۳۷/۵ واحد بوده است. به تعبیری دیگر هر یک واحد کتابخانه عمومی ۴۹۳۸ آلمانی و ۷۲۷ دانمارکی را تحت پوشش خدمات خود داشته است.

بدین ترتیب می‌توان در یک جمع‌بندی کلی گفت که از لحاظ تعداد کل کتابخانه‌های عمومی، ترکیه ۱/۷ برابر، مکزیک ۴/۵ برابر، دانمارک ۱۴ برابر و آلمان (غربی) ۲۴/۵ برابر ایران کتابخانه داشته‌اند و رقم تعداد کتابخانه‌ها به ازای هر صد هزار نفر، در ترکیه ۱/۷ برابر، در مکزیک ۳ برابر، در آلمان ۲۲ برابر و در دانمارک ۱۵۲ برابر این رقم در ایران بوده است. روی هم رفته وضعیت ایران از لحاظ تعداد کل کتابخانه‌های عمومی و تعداد آنها به ازای هر صد هزار نفر، ۳/۱ درصد وضعیت میانگین کشورهای توسعه یافته است.

## پایین بودن تعداد کتابهای موجود در کتابخانه‌های عمومی

تعداد کتابهای موجود در کتابخانه‌های عمومی ایران ۸/۵ درصد (پنجاه و پنج) این رقم در کشورهای توسعه یافته و رقم تعداد کتاب به ازای هر هزار نفر در کتابخانه‌های عمومی ایران ۳۷/۱ درصد (پنجاه و هفت) این رقم در کشورهای در حال توسعه و ۲/۳ درصد (دو و یک‌سوم) کشورهای توسعه یافته است. به عبارت واضحتر، بر طبق آمار موجود طی سال ۱۳۶۸/۱۹۸۹، در کتابخانه‌های عمومی ایران ۳ میلیون و ۹۲۶ هزار جلد کتاب وجود داشته است که سهم هر هزار ایرانی ۷۲ جلد کتاب بوده است.

به عبارت دیگر، به ازای هر ۱۳/۸ ایرانی یک جلد کتاب. این در حالی است که در کتابخانه‌های عمومی ترکیه و هنگ کنگ به ترتیب ۷۳۳۹۰۰۰ و ۳۷۷۴۰۰۰ جلد کتاب موجود بوده است، یعنی سهم هر هزار نفر از اهالی ترکیه و هنگ کنگ به ترتیب ۱۲۹ جلد (۱/۸ برابر ایران) و ۶۶۵ جلد (۹/۲ برابر ایران) کتاب است. به عبارت دیگر، به ازای هر ۷/۷ نفر از اهالی ترکیه و ۱/۵ نفر هنگ کنگی یک جلد کتاب در کتابخانه‌های عمومی این کشورها ذخیره شده است. به همین ترتیب کتابخانه‌های عمومی انگلستان و فنلاند به ترتیب ۱۵۶۷۰۰۰۰ (۴۰ برابر ایران) و ۳۴۹۰۰۰۰۰ (۸/۹۱ برابر ایران) جلد کتاب ذخیره کرده‌اند، یعنی به ازای هر هزار انگلیسی ۲/۷۳۸ جلد (۳۸ برابر ایران) و هر هزار فنلاندی ۷/۰۳۳ (۹۸ برابر ایران) جلد کتاب. به عبارت دیگر، یک جلد کتاب به ازای ۰/۳۶ نفر انگلیسی و ۰/۱۴ نفر فنلاندی.

بر طبق استاندارد انجمن بین‌المللی کتابداری (ایفلا)، باید به ازای هر یک نفر، ۲ جلد کتاب در کتابخانه‌های عمومی موجود باشد.

بنابراین جمعیت ۵۴ میلیونی ایران در سال ۱۳۶۸، نیازمند حداقل ۱۰۸۴۰۶۰۰۰ جلد کتاب در کتابخانه‌های عمومی بوده است که این رقم به طور واقعی ۳۹۲۶۰۰۰ جلد بوده است، یعنی  $\frac{1}{48}$  یا  $\frac{3}{6}$  رقم مطلوب بر حسب استاندارد. به عبارت دیگر، در حالی که باید به ازای هر نفر ۲ جلد کتاب در کتابخانه‌های عمومی موجود باشد این رقم در ایران ۰/۷ جلد است. در عین حال در کشورهای توسعه یافته‌ای نظیر سوئد، دانمارک و فنلاند این رقم به ترتیب ۵/۶، ۶/۷ و ۷ جلد به ازای هر نفر است؛ یعنی در کتابخانه‌های عمومی این کشورها به ازای هر سوئدی ۸۰ برابر، هر دانمارکی ۹۵/۷ برابر و هر فنلاندی ۱۰۰ برابر هر ایرانی، کتاب وجود دارد.

## پایین بودن تعداد اسناد سمعی - بصری در کتابخانه‌های عمومی

استفاده از اسناد و مدارک غیر کتبی و نوشتاری (اسناد سمعی - بصری، دیسکهای نوری و ...) در جهان توسعه یافته امروز، در جهت رشد و توسعه علم و فرهنگ، نتایج فراوانی نظیر صرفه‌جویی در وقت و هزینه و دسترسی سریع افراد به اطلاعات مورد نیاز به همراه آورده است. اگرچه شروع تمدن واقعی بشر با اختراع خط و مکتوب کردن اطلاعات آغاز شده و امروزه وجود اسناد و مدارک کتبی (کتاب، روزنامه، مجله، گزارشها و مقالات علمی و ...) در کتابخانه‌ها و مراکز اسناد برای انتقال علم و فرهنگ به نسلهای آینده جامعه، امری ضروری و حتمی است، با این حال از جامعه بدون کاغذ سخن می‌گویند و اهمیت اساسی برای اسناد و مدارک غیر کتبی قائل هستند. در این میان، اسناد سمعی - بصری (نوار کاست و ویدئو، میکروفیلم، میکروفیش، فیلم، اسلاید و ...) از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند، چرا که با استفاده از این اسناد، می‌توان مطالب نوشتاری و کتبی را - که خواندن آنها مستلزم صرف وقت فراوان از سوی خوانندگان است و قرار دادن آنها در قفسه‌ها و محیط کتابخانه، فضای فراوانی را می‌طلبد - در یک نوار یا میکروفیلم به خواننده ارائه داد و در فضای بسیار کمتر از آنچه برای یک کتاب لازم است، آن را مرتب کرد. بنابراین، صرفه‌جویی در فضای کتابخانه‌ها و وقت خوانندگان و سرعت دسترسی به اطلاعات از مهمترین آثار استفاده از اسناد سمعی - بصری است. با این مقدمه کوتاه به سراغ وضعیت اسناد و مدارک سمعی - بصری در کتابخانه‌های عمومی ایران می‌رویم:

بر طبق آمار موجود، در سال ۱۳۶۸/۱۹۸۹، در ۵۰۱ واحد کتابخانه‌های عمومی ایران، تنها ۷۹ سند سمعی - بصری وجود داشته است، یعنی ۰/۱۵ سند برای هر صد هزار نفر جمعیت (۰/۰۱۵ سند به ازای هزار نفر). این رقم نشان می‌دهد که اکثر کتابخانه‌های عمومی کشور از هیچ گونه سند سمعی - بصری سود نمی‌جویند و تنها به ارائه مطالب در قالب کتابها و مطبوعات بسنده می‌کنند.

مقایسه وضعیت ایران با کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته می‌تواند جایگاه ایران را روشنتر نماید؛ در حالی که کتابخانه‌های عمومی ما تنها ۷۹ سند سمعی - بصری برای استفاده مراجعان در اختیار داشتند، این رقم در مکزیک ۱۵۲۴۲۲ سند (۱۸۰ سند به ازای هر صد هزار نفر) و در هنگ‌کنگ ۲۰۵۱۱۲ سند (۳/۶۱۷ سند به ازای هر صد هزار نفر) بوده است. همچنین کشورهای توسعه یافته‌ای نظیر انگلستان و فنلاند به ترتیب دارای ۵۴۷۱۰۰۰ و ۱۵۰۰۰۰۰ سند سمعی - بصری بوده‌اند، یعنی اینکه هر صد هزار انگلیسی و

فنلاندی به ترتیب از ۱۰۰۳۰ و ۳۰۲۳۰ سند سمعی - بصری استفاده می‌کرده‌اند. به عبارت واضحتر باید گفت که رقم کل اسناد سمعی - بصری در نیجریه ۱/۰۸ برابر، در هنگ کنگ ۲/۵۹۶ برابر، در سوئد ۲۷ هزار و ۷۷۷ برابر و در انگلستان ۶۹ هزار و ۲۵۳ برابر این رقم در ایران بوده است. به همین نحو، رقم تعداد اسناد سمعی - بصری به ازای صد هزار نفر در نیجریه، ۵۴ برابر، در هنگ کنگ ۲۴۱۱۳ برابر، در انگلستان ۶۶۸۶۶ برابر و در فنلاند ۲۰۱۵۳۳ برابر این رقم در ایران بوده است.

روی هم رفته در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته، رقم تعداد کل اسناد سمعی - بصری به ترتیب ۳۲۳ برابر و ۲۵ هزار برابر ایران بوده است. همچنین رقم تعداد اسناد سمعی - بصری به ازای هر صد هزار نفر در کشورهای در حال توسعه ۲ هزار برابر و در کشورهای توسعه یافته ۱۰۰ هزار برابر ایران را نشان می‌دهد.

### پایین بودن تعداد افزایش سالیانه کتاب

در هر سال به طور میانگین به ازای هر صد هزار نفر ایرانی تنها ۳/۱ جلد کتاب به ذخیره کتابخانه‌های عمومی کشور افزوده می‌شود؛ یعنی رقمی در حدود ۱۷۰ هزار جلد در یک سال. این در حالی است که در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته به ترتیب ۱۷ و ۱۶۸ جلد کتاب به ازای هر هزار نفر، به کتابخانه‌های عمومی این کشورها افزوده می‌شود. رقم افزایش سالیانه کتاب در هنگ کنگ ۴۹۲۲۱ جلد، در ترکیه ۳۷۴۴۵ جلد، در سوئد ۲۳۳۵۰۰ جلد و در انگلستان ۱۳۶۹۷ جلد است. به همین نحو به ازای هر هزار نفر در مکزیک ۱۱/۳ جلد، در هنگ کنگ ۸۶/۷ جلد، در انگلستان ۲۳۹ جلد و در فنلاند ۴۶۹ جلد کتاب به کتابخانه‌های این کشورها اضافه می‌شود. به عبارت واضحتر، رقم تعداد کل افزایش سالیانه کتاب در هنگ کنگ ۲/۹ برابر، در مکزیک ۵/۶ برابر، در سوئد ۱۳/۷ برابر و در انگلستان ۸۱ برابر این رقم در ایران است. همچنین رقم افزایش سالیانه کتاب به ازای هر هزار نفر در کتابخانه‌های عمومی مکزیک، ۳/۶ برابر، هنگ کنگ ۲۷/۹ برابر، انگلستان ۷۷ برابر، و فنلاند ۱۵۱ برابر ایران بوده است.

با یک محاسبه ساده می‌توان گفت که با روند فعلی افزایش سالیانه کتاب در ایران، در رسیدن تعداد کتابهای موجود در کتابخانه‌های عمومی ایران به سطح کتابهای موجود در کتابخانه‌های عمومی ترکیه و انگلستان، به ترتیب نیازمند ۲۰ و ۸۹۸ سال زمان است و البته این در صورتی است که این کشورها هیچ گونه افزایشی در تعداد کتابهای خود ندهند و ثابت بمانند.

### پایین بودن تعداد مراجعان واقعی به کتابخانه‌های عمومی

اگرچه رقم تعداد کل مراجعان به کتابخانه‌های عمومی در ایران، رقم قابل توجهی است و نشان می‌دهد که در سال ۱۳۶۶، تعداد ۷۰۶۲۱۰۳ نفر (یعنی ۱۳۸ نفر از هر هزار نفر، با محاسبه درصد باسواد) ۲۲۸ نفر از هر هزار نفر) به کتابخانه‌های عمومی مراجعه کرده‌اند، اما به نظر می‌رسد این رقم را باید رقم مراجعان غیرواقعی دانست. توضیح اینکه در سالنامه آماری یونسکو، ستونی با عنوان «مراجعان ثبت شده» آمده است و منظور تعداد مراجعه کننده‌هایی است که قبل یا بعد از ورود به کتابخانه و استفاده از آن نام خود را در آن ثبت می‌کنند. اما چنان که می‌دانیم در اکثر کتابخانه‌های عمومی کشور (خصوصاً در کتابخانه‌های عمومی شهرهای کوچک) دفتری

### اکثر کتابخانه‌های عمومی کشور از هیچ گونه سند سمعی - بصری سود نمی‌جویند و تنها به ارائه مطالب در قالب کتابها و مطبوعات بسنده می‌کنند.

### رقم کل اسناد سمعی - بصری در نیجریه ۱/۰۸ برابر، در هنگ کنگ ۲/۵۹۶ برابر، در سوئد ۲۷ هزار و ۷۷۷ برابر و در انگلستان ۶۹ هزار و ۲۵۳ برابر ایران است.

برای ثبت تعداد مراجعان وجود ندارد و کتابداران این کتابخانه‌ها برای دادن آمار مربوط به تعداد مراجعان، به تخمین و تقریب متوسل می‌شوند و بدین ترتیب از رقم واقعی دور می‌افتند. در ضمن، کتابخانه‌هایی که دفتر ثبت تعداد مراجعان در آنها وجود دارد به جدا کردن مراجعان واقعی و غیرواقعی نمی‌پردازند. باید گفت که در چندسال اخیر رشد کلی جمعیت، رشد جمعیت دانش‌آموزان و رشد تعداد داوطلبان ورود به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی از یک سو و کافی نبودن ظرفیت کمی و کیفی این گونه مراکز در پذیرش داوطلبان، سبب ایجاد تنشها و ناهنجاریهای روانی و اجتماعی ویژه‌ای شده است.

تأثیرات این پدیده به کتابخانه‌های عمومی نیز سرایت کرده است، بدین معنی که داوطلبان کنکور برای یافتن مکانی مناسب و خلوت جهت مطالعه - و در واقع حفظ کردن - روی به کتابخانه‌های عمومی می‌آورند و تنها به مطالعه کتابهای درسی ویژه کنکور می‌پردازند و کتاب یا نشریه‌ای از کتابخانه به امانت نمی‌گیرند تا در سالن مطالعه کتابخانه آن را بخوانند و یا برای مطالعه به منزل ببرند. شاهد این مدعا ازدحام بیش از حد کتابخانه‌های عمومی در ماه‌هایی است که امتحانات کنکور سراسری برگزار می‌شود.

بنابراین، نمی‌توان تمامی کسانی را که به کتابخانه عمومی می‌آیند، جزو مراجعان دانست؛ این افراد در صورتی که از امکانات موجود در کتابخانه اعم از کتاب، نشریه، روزنامه و ... استفاده کنند، می‌توانند به عنوان مراجعه کننده محسوب شوند، زیرا هدف کتابخانه عمومی ارائه خدمات مرجع و کتابشناختی به مراجعان است، در غیر این صورت اگر قرار بود که تنها از سالن مطالعه کتابخانه استفاده شود، نیازی به گردآوری، رده‌بندی، سازماندهی و ارائه مواد چاپی و غیرچاپی در کتابخانه‌های عمومی نبود و تنها یک سالن مطالعه با تعدادی میز و صندلی کفایت می‌کرد.

مشکل مذکور را شاید بتوان به سایر کشورهای در حال توسعه نیز تعمیم داد؛ چرا که می‌بینیم رقم تعداد مراجعان در هر هزار نفر در مکزیک ۴۶۷ و در کره جنوبی ۵۹۰ نفر است. این در حالی است که از هر هزار ژاپنی و آلمانی ۱۰۰ نفر، از هر هزار اسپانیایی ۱۷۸ نفر و از هر هزار فنلاندی ۴۷۵ نفر به کتابخانه‌های عمومی مراجعه می‌کنند. البته علاوه بر توضیحات مذکور، ذکر یک نکته نیز می‌تواند راهگشا باشد و آن اینکه نظر به بالا بودن سطح امکانات در کشورهای توسعه یافته که بهره‌گیری افراد این کشورها را از تکنولوژی پیشرفته ارتباطات (نظیر کامپیوتر، بانکهای اطلاعاتی، اسناد سمعی - بصری و ...) تسهیل و ترغیب می‌کند، طبیعاً بایستی تعداد مراجعه کنندگان مستقیم به کتابخانه‌های عمومی کاهش یابد، چرا که افراد این کشورها

می‌توانند در صورت نیاز، با یکی از بانکهای اطلاعاتی موجود، در زمینه موضوع دلخواه خود مشترک شوند و در منزل خود با فشار دادن دکمه‌های کامپیوتر شخصی اطلاعات مورد نیاز را کسب کنند و یا با استفاده از تسهیلات پستی، کتاب یا نشریه مورد نیاز را در منزل خود دریافت دارند. اما در کشورهای در حال توسعه، امکانات مذکور برای افراد جامعه فراهم نیست و یا کمتر فراهم است و از این رو ناچار برای کسب اطلاعات مورد نیاز باید راهی کتابخانه‌ها شوند، ضمن اینکه باید گفت جوانان کشورهای در حال توسعه، به عقب‌ماندگی علمی و فنی کشورهاشان واقف شده‌اند و انگیزه و هدف آنها برای مطالعه و کسب دانش جدید، از جوانان کشورهای توسعه یافته اگر بیشتر نباشد کمتر نیست و بدین سبب کتابخانه‌های عمومی را برای پاسخگویی به نیازهایشان برمی‌گزینند.

### پایین بودن تعداد کتابهای به امانت داده شده

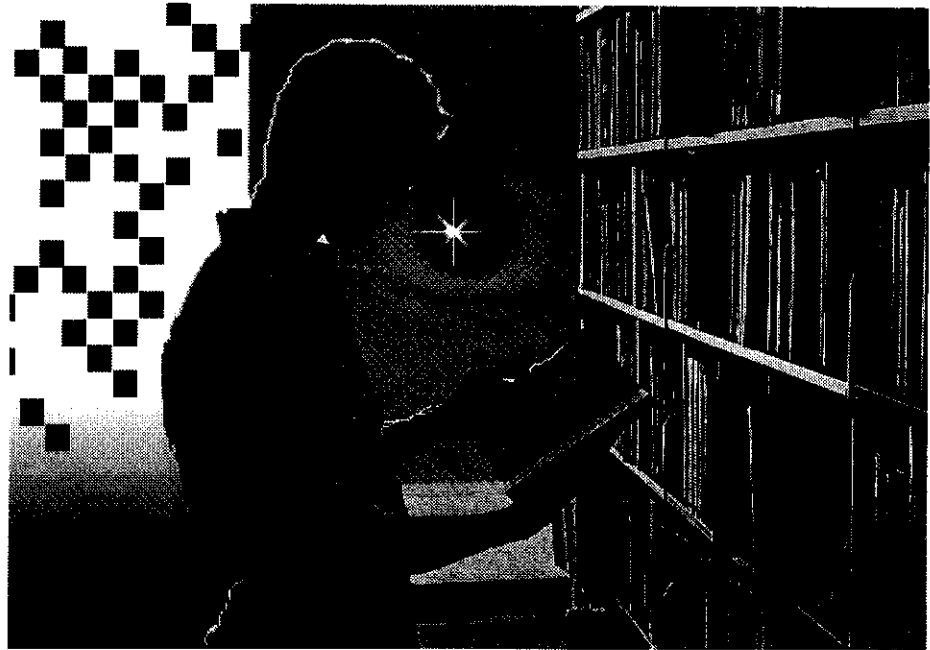
اصولاً میزان مراجعه و استفاده مخاطبان از کتابخانه به عنوان معیار و ملاک مهمی برای ارزیابی کتابخانه به کار می‌رود؛ «به عبارت دیگر هر چه تعداد خوانندگانی که کتابخانه را مورد استفاده قرار می‌دهند بیشتر

باشد، وجهه و اعتبار آن کتابخانه بیشتر است». برای سنجش میزان استفاده تعداد خوانندگان، از شاخصهای تعداد کتابهای به امانت گرفته شده توسط افراد جامعه و نیز تعداد کتابهای به امانت داده شده به ازای هر هزار نفر می‌توان سود جست.

بررسی این دو شاخص نشان می‌دهد که در سال ۱۳۶۸، تعداد ۶۴۲۰۱۱۱ جلد کتاب (یا ۶۴۲۰۱۱۱ بار و نفر) از کتابخانه‌های عمومی کشور به امانت رفته است؛ یعنی به ازای هر هزار ایرانی ۱۱۸/۴ جلد کتاب (هر نفر ۱۱۸/۴ جلد). این در حالی است که میانگین تعداد کتابهای به امانت گرفته شده توسط هزار نفر در کشورهای در حال توسعه ۴۴۵/۷ جلد و در کشورهای توسعه یافته ۶/۱۰۴ جلد کتاب است. به عبارت دیگر، رقم تعداد کتابهای به امانت گرفته شده توسط هر هزار نفر (یا هر نفر) در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته ۳/۷ برابر و ۵۱/۱ برابر این رقم در ایران است. به تعبیری دقیقتر، هر فرد در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته به ترتیب ۳/۷ و ۵۱/۱ برابر هر فرد ایرانی، از کتابخانه‌های عمومی کشورش، کتاب به امانت می‌گیرد.

جدول شماره یک بررسی و مقایسه وضعیت شاخصهای کمی و کیفی کتابخانه‌های عمومی ایران با میانگین کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته جهان، طی سالهای ۱۳۶۶-۶۸ / ۱۳۸۷-۸۹

شاخصهای کمی و کیفی کتابخانه‌های عمومی	مناطق ایران		میانگین کشورهای توسعه یافته	میانگین کشورهای در حال توسعه	وضعیت کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای توسعه یافته (درصد)	وضعیت ایران نسبت به کشورهای توسعه یافته (درصد)	وضعیت ایران نسبت به کشورهای توسعه یافته (درصد)
	تعداد کل	به ازای هر صد هزار نفر					
کتابخانه‌های عمومی	۵۰۱	۳۷۳	۱۳/۹۸۷	۳۵	۲/۷	۱۳۴	۳/۶
کتابهای موجود	۰/۹	۱/۵	۴۶/۷۴/۶۶۶	۳۵	۴/۳	۶۰	۲/۶
کتابهای موجود	۳/۹۲۶/۰۰۰	۱۹۴	۳/۰۷۹	۱۹۴	۶/۳	۳۷/۱	۲/۳
اسناد	۷۹	۲۵/۲۵۹	۱/۸۷۷/۸۱۷	۲۵/۲۵۹	۱/۳	۰/۳	۰/۰۰۴
سمعی - بصری	۰/۱۵	۲۸۸	۱۲/۴۹۸	۲۸۸	۲/۳	۰/۰۵	۰/۰۰۱
افزایش سالانه کتاب	۱۶۹/۳۳۲	۱۷	۲/۸۷۵/۵۸۰	۱۶۸	۴/۱	۱۴۳	۵/۹
مراجعه ثبت شده	۳/۱	۱۳۸	۱۶۸	۱۷	۱۰/۱	۱۸/۲	۱/۸
مراجعه ثبت شده	۷/۰۶۲/۱۰۳	۱۵۹	۱۲/۸۸۷/۰۰۵	۲۱۳	۱۷/۷	۳۰۹	۵۵
بودجه خرید مواد	۶/۴۲۰/۱۱۱	۴۴۵/۷	۱۲۲/۱۵۴/۲۱۶	۲۱۳	۷/۸	۸۶/۸	۶۴/۷
درصد کتابداران متخصص	۱۱۸/۴	۱۵	۶/۱۰۴	۲۸	۷/۳	۲۶/۶	۱/۹
کل بودجه (به دلار)	۵۰۰/۰۰۰	۵۴۸/۳۹۷	۷۵/۲۲۵/۲۰۰	۱۵	۷	۹۱	۰/۶۶
به ازای هرواحد کتابخانه عمومی	۸۴۰	۴/۳۱۵	۲۴/۱۸۵	۱۵	۱۷/۸	۱۹/۵	۳/۵
میانگین کل شاخصها (با شاخصهای تعداد کل مراجعان و تعداد مراجعان در هزار نفر)					۱۴/۳	۸۱/۹	۱۰/۸
میانگین واقعی شاخصها (بدون شاخصهای تعداد کل مراجعان و تعداد مراجعان در هزار نفر)					۹/۴	۶۴/۱	۳/۲



■ وضعیت ایران از لحاظ تعداد کل کتابخانه‌های عمومی و تعداد آنها به ازای هر صد هزار نفر، ۳/۱ درصد وضعیت میانگین کشورهای توسعه یافته بوده است.

واقع، هر کدام از کتابخانه‌های عمومی کشور به‌طور میانگین ۲/۱ نفر کمبود کتابدار داشته‌اند و در سطح کل کتابخانه‌ها این رقم ۱/۰۲۸ نفر بوده است. «کمبود نیروی کتابدار، موجب شده تا هم اینک سראیداران و مستخدمان به تصدی پست کتابداری در بعضی از کتابخانه‌های کشور گمارده شوند که این خود واقعیت تلخی در رابطه با ادامه حیات این مقوله حساس علمی و فرهنگی کشور است.»

۲- کمبود کتابداران متخصص

در سال ۱۹۸۹/۱۳۶۸، تنها ۱/۹ درصد (۱۹ نفر) از کتابداران کتابخانه‌های عمومی کشور، دارای مدرک کاردانی و کارشناسی کتابداری بوده‌اند و ۹۸ درصد بقیه یا اصلاً تخصصی در زمینه کتابداری نداشته‌اند و یا دوره‌های آموزشی کوتاه مدت را گذرانده بودند. توزیع ۹۸ درصد بقیه بدین صورت بوده است: ۱۳۸ نفر (۱۴/۲ درصد) دارای مدرک کاردانی و کارشناسی در رشته‌های غیر کتابداری ۶۵۷ نفر (۶۷/۳ درصد) دیپلم و ۱۵۷ نفر (۱۶/۱ درصد) زیر دیپلم. این در حالی است که بر طبق استاندارد اعلام شده از سوی ایفلا باید حداقل ۳۳ درصد از کارکنان اداری کتابخانه، متخصص کتابداری باشند. ایفلا فرمول زیر را پیشنهاد کرده است:

تعداد کل کارمندان  $\times ۳۳ =$  تعداد کارمندان متخصص  
بر طبق فرمول فوق، کتابخانه‌های عمومی در ایران در وضعیت

فعلی خود به ۳۲۲ کتابدار متخصص نیاز دارند در حالی که این رقم به صورت واقعی ۱۹ نفر (۱/۱۱ درصد) یا ۶ درصد (مطلوب) است. تازه اگر از روی تسامح و تساهل، افراد دارای مدرک کاردانی و کارشناسی را نیز به جمع کارمندان متخصص بیفزاییم باز به رقم ۱۶/۱ درصد می‌رسیم که حدود نصف رقم استاندارد است.

با مقایسه وضعیت درصد کتابداران متخصص در ایران با کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته مشخص می‌شود که این رقم به‌طور میانگین در کشورهای در حال توسعه ۱۵ درصد (۷/۹ برابر ایران) و در کشورهای توسعه یافته ۲۸ درصد (۱۴/۷ برابر ایران) است. به عنوان مثال در کشورهای مکزیک و کره جنوبی به ترتیب

نگاهی به رقم تعداد کل کتابهای به امانت گرفته شده نشان می‌دهد که این رقم در ترکیه ۲۶۹۶۴۲۷ جلد، در کوبا ۶۵۷۱۰۰۰ جلد، در هنگ کنگ ۱۲۸۶۰۰۰۰ جلد، در مکزیک ۴۵۷۰۱۱۰۵ جلد، در دانمارک ۷۸۲۸۰۰۰۰ جلد، در کانادا ۱۷۶۱۸۴۸۵۷ جلد، در انگلستان ۵۶۴۵۲۵۰۰۰ جلد و در شوروی سابق ۲۷۷۹۰۰۰ جلد بوده است. به عبارت دیگر، به ازای هر هزار نفر در ترکیه ۴۷/۵ جلد، در کوبا ۶۰۶ جلد، در هنگ کنگ ۲/۲۶۷ جلد، در دانمارک ۱۵/۲۵۳ جلد، در فنلاند ۱۷/۲۷۱ جلد، در کانادا ۶/۷۱۹ جلد و در شوروی سابق ۹/۶۶۲ جلد بوده است. در یک قیاس کلی می‌توان گفت رقم تعداد کل کتابهای به امانت گرفته شده در هنگ کنگ ۲ برابر، در مکزیک ۷/۱ برابر، در آلمان ۳۴/۲ برابر، در انگلستان ۸۷/۹ برابر و در شوروی سابق ۴۳۳ برابر ایران است. به همین ترتیب، تعداد کتابهای به امانت گرفته شده توسط هزار نفر (یا هر نفر) در مکزیک ۴/۶ برابر، در کوبا ۵/۱ برابر، در هنگ کنگ ۱۹/۱ برابر، در انگلستان ۸۳/۳ برابر، در هلند ۹۸/۴ برابر، در دانمارک ۱۱۸/۸ برابر و در فنلاند ۱۴۵/۹ برابر ایران بوده است.

این ارقام نشان از آن دارند که میزان استفاده واقعی هر فرد ایرانی از کتابخانه‌های عمومی کشور، ۱/۱۸ این میزان در کشورهای توسعه یافته و ۱/۳ کشورهای در حال توسعه است.

پایین بودن تعداد کتابداران متخصص

در مورد تعداد کتابداران در کتابخانه‌های عمومی، ۳ مشکل اساسی به چشم می‌خورد:

۱- کمبود نیروی انسانی (کتابدار متخصص و غیرمتخصص)

در کتابخانه‌های عمومی

در سال ۱۳۶۸، ۹۷۶ نفر کتابدار در کتابخانه‌های عمومی کشور مشغول به فعالیت بوده‌اند؛ یعنی ۱/۹ نفر برای هر کتابخانه. این در حالی است که بر طبق استاندارد ایفلا برای هر ۳ کتابخانه، ۱۲ کتابدار و به عبارت ساده‌تر برای هر کتابخانه ۴ کتابدار لازم است. در

۱۷/۹ درصد و ۳۵/۲ درصد از کتابداران کتابخانه‌های عمومی متخصص هستند و در کشورهای دانمارک و سوئد به ترتیب ۴۰/۴ و ۴۱/۴ درصد از کتابداران دارای تخصص کتابداری هستند.

### ۳- تمرکز کتابداران متخصص در چند شهر مهم کشور

مشکل دیگری که وضعیت نامطلوب کتابداران متخصص در کتابخانه‌های عمومی را تشدید می‌کند تمرکز کتابداران متخصص در چند شهر مهم کشور است. به عبارت دیگر نه تنها تعداد کتابداران متخصص در کتابخانه‌های عمومی در مقیاس با استاندارد ایفلا و وضعیت سایر کشورهای جهان اندک است، بلکه این تعداد هم به طور نامساوی و ناعادلانه در کتابخانه‌های عمومی کشور توزیع شده‌اند، به طوری که از تعداد کل کتابداران متخصص در کتابخانه‌های عمومی، ۳۳/۳ درصد در تهران، ۲۵ درصد در آذربایجان شرقی، ۱۶/۶ درصد در سمنان، ۸/۳ درصد در آذربایجان غربی، ۸/۳ در مازندران و ۸/۳ درصد بقیه در کتابخانه‌های عمومی سایر استانهای کشور مشغول به فعالیت هستند.

### پایین بودن بودجه خرید مواد در کتابخانه‌های عمومی

در حالی که در سال ۱۳۷۲، برای تمامی کتابخانه‌های عمومی بودجه‌ای معادل ۵۰۰ هزار دلار (۸۰۰ میلیون ریال) برای خرید کتاب در نظر گرفته شد (حدود ۸۴۰ دلار برای هر کتابخانه)، در سال ۱۳۶۸، کتابخانه‌های عمومی کشور ترکیه ۲۱۷۶۱۰۶ دلار (۲/۵۴۸ دلار برای هر کتابخانه)، هنگ کنگ ۴۱۲۹۵۱ دلار (۷/۷۹۲ دلار برای هر کتابخانه)، سوئد ۱۰۵۴۶۵۳۷۹ دلار (۵۳/۴۰۰ دلار برای هر کتابخانه) و انگلستان ۳۱۱۴۰۵۸۹۲ دلار (۵۴/۴۴۲ دلار برای هر کتابخانه) صرف خرید مواد (کتاب و نشریات ...) برای کتابخانه‌های عمومی کرده‌اند. به عبارت دیگر رقم میانگین بودجه مواد در هر یک از کتابخانه‌های عمومی ترکیه ۳ برابر، هنگ کنگ ۹/۳ برابر، سوئد ۶۳/۵ برابر و انگلستان ۶۵ برابر این رقم در ایران بوده است. به تعبیری دیگر، تنها ۹ کتابخانه عمومی کشور انگلستان، بودجه‌ای معادل کل بودجه خرید مواد در کتابخانه‌های عمومی ایران دارند. بودجه خرید مواد به ازای هر کتابخانه عمومی در ایران به ترتیب ۱۹/۵ درصد و ۳/۵ درصد این رقم در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته است.

به نظر می‌رسد برای تعیین رقم دقیق بودجه خرید مواد توجه به چند عامل، اساسی است. در نظر گرفتن رشد کل جمعیت و جمعیت لازم‌التعلیم، در نظر گرفتن رشد علمی و فرهنگی جامعه، تورم و گرانی کالاها (از جمله کتابها و نشریات)، اهداف کتابخانه‌های عمومی و ... متأسفانه چنانکه آمار و ارقام نشان می‌دهند در کشورهای در حال توسعه و از جمله کشور ما، کیفیت همواره فدای کمیت می‌شود و برنامه‌ریزان و سیاستگذاران ابتدا به کمیت توجه می‌کنند و در صورتی که بودجه‌ای باقی ماند نیم نگاهی هم به کیفیت می‌اندازند، از این رو، همواره سعی این کشورها در نزدیک کردن ارقام و اعداد مربوط به شاخصهای فرهنگی، علمی، اقتصادی و ... به ارقام استاندارد است و تازه در این راه هم توفیق چندانی نمی‌یابند. به عبارت دیگر، ساختارهای علمی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی حقوقی، آموزشی و ... در این کشورها به موازات هم رشد نمی‌کنند و به‌بهای رشد یک ساخت، مثلاً ساخت اقتصادی، بقیه ساختها، در واقع، فدا می‌شوند. در حالی که به صورت منطقی و ایده‌آل، رشد

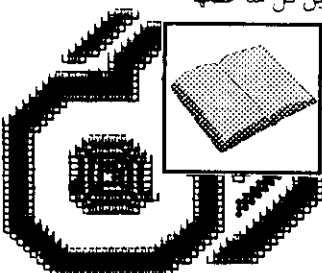
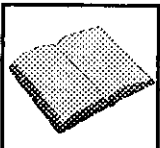
ساختارها باید به موازات هم باشد و این رشد با در نظر گرفتن رشد سایر ساختارها صورت گیرد. به عنوان مثال رشد تعداد مدارس و دانشگاه‌ها باید همگام با رشد تعداد دانش‌آموزان و دانشجویان و سایر شرایط و تحولات اجتماعی صورت گیرد. به همین صورت رشد تعداد کتابخانه‌های عمومی و امکانات موجود آنها نیز باید هماهنگ با رشد جمعیت شاغل در فعالیتهای علمی و فرهنگی باشد. با نگاهی به آمارهای موجود می‌بینیم که همخوانی و توازی بین رشد جمعیت و رشد امکانات کتابخانه‌های عمومی وجود ندارد.

طی سالهای ۱۳۵۴ تا ۱۳۶۴، جمعیت شاغل به تحصیل در سطوح ابتدایی تا عالی به‌طور میانگین ۷۶ درصد رشد مثبت داشته است، این در حالی است که تنها، تعداد کتابخانه‌های عمومی ۴۳ درصد رشد مثبت داشته است ولی سایر موارد دارای رشد منفی بوده است. برای نمونه، در طی دهه مذکور اعتبار مصرفی برای خرید مواد ۳۴ درصد، تعداد عنوانهای خریداری شده ۵۳ درصد، متوسط اعتبار سالانه برای هر کتابخانه ۴۷ درصد، متوسط سالانه سهمیه کتاب برای هر کتابخانه ۶۴ درصد رشد منفی داشته‌اند. هر چند از سال ۱۳۶۴ تاکنون اقدامات مهم و مثبتی در زمینه کتابخانه‌های عمومی انجام شده است (برای مثال بودجه خرید مواد از ۲ میلیون و ۲۷۰ هزار تومان به ۸۰ میلیون تومان افزایش یافته است) اما با این حال، در مقایسه با استانداردهای جهانی، کتابخانه‌های عمومی ما از سطح کمی و کیفی نازلی برخوردارند.

### جمع‌بندی وضعیت شاخصهای کمی و کیفی کتابخانه‌های عمومی

چنانکه در جدول شماره یک آمده است، شاخصهای کمی و به خصوص کیفی کتابخانه‌های عمومی ایران در مقایسه با کشورهای توسعه یافته و حتی در حال توسعه از وضعیت مطلوبی برخوردار نیستند؛ بدین معنی که میانگین کل شاخصهای کمی و کیفی رقم ۱۱/۹ درصد را نسبت به میانگین کشورهای توسعه یافته نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، از لحاظ شاخصهای مورد بررسی در جدول، امکانات و تسهیلات کتابخانه‌های عمومی ایران ۱۰/۸ درصد (یا ۱/۸) کتابخانه‌های عمومی کشورهای توسعه یافته است. این رقم حتی از رقم میانگین کل شاخصهای کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای توسعه یافته یعنی ۱۰/۸ (یا ۱/۸) کمتر است چرا که رقم کل شاخصهای کمی و کیفی کتابخانه‌های عمومی ایران ۸۱/۹ درصد رقم میانگین کل شاخصهای کشورهای در حال توسعه است.

ذکر چند توضیح درباره جدول مذکور لازم است؛ اول اینکه رقم میانگین کل شاخصها که در سطر آخر جدول آمده است رقم واقعی نیست بلکه از تراکم و بزرگ بودن رقم مربوط به شاخص تعداد مراجعان به‌دست آمده است و بنابراین، نمی‌توان به این ارقام اطمینان کامل داشت. در صورتی که رقم تعداد مراجعان را از شاخصهای مورد بررسی در جدول شماره یک کم کنیم رقم واقعی میانگین کل شاخصها به‌دست می‌آید. با محاسبه این رقم می‌بینیم که رقم میانگین شاخصهای کمی و کیفی کتابخانه‌های عمومی در ایران به ترتیب ۶۴/۱ درصد و ۳/۲ درصد این رقم در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته است. همچنین، با حذف رقم مربوط به تعداد مراجعان، رقم واقعی میانگین شاخصهای کمی و کیفی کتابخانه‌های عمومی در کشورهای



حال توسعه ۹/۴ درصد این رقم در کشورهای توسعه یافته است. باید افزود که رقم واقعی میانگین شاخصهای کمی و کیفی کتابخانه‌های عمومی را می‌توان شاخص کیفیت و کارایی کتابخانه‌های عمومی دانست. بدین ترتیب می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که کیفیت و کارایی کتابخانه‌های عمومی ایران به ترتیب ۶۴/۱ درصد و ۳/۲ درصد (پ) کیفیت و کارایی کتابخانه‌های عمومی در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته است.

نکته دیگری که ذکر آن لازم به نظر می‌رسد جدا کردن شاخصهای کمی از شاخصهای کیفی کتابخانه‌های عمومی است. به عبارت واضحتر یک رقم کل وقتی معنا پیدا می‌کند که توزیع آن را در بین استفاده‌کنندگان و جامعه آماری موجود مشخص نماییم. به طور مثال، دانستن تعداد کل کتابهای موجود در کتابخانه‌های عمومی یا تعداد کل کتابخانه‌های عمومی، برای تجزیه و تحلیل وضعیت کتابخانه‌ها، کارایی دقیق و مفیدی نخواهند داشت مگر آنکه این تعداد کل را بر جمعیتی که از خدمات مذکور - تعداد کتابخانه‌ها و تعداد کتابها استفاده می‌کنند تقسیم کنیم. چرا که ممکن است در کشور «الف» با جمعیت زیاد تعداد کل کتابخانه‌ها یا کتابهای موجود بیشتر از کشور «ب» که دارای جمعیت کمتری است باشد. اگر بخواهیم از روی این شاخص قضاوت کنیم به بیراهه رفته‌ایم. باید ببینیم آیا تعداد کتابخانه یا کتابهای به ازای هر هزار نفر در کشور «الف» بیشتر است یا در کشور «ب». این موضوع درباره سایر شاخصهای مورد بررسی نیز مصداق دارد. لذا برای دقیقتر شدن رقم واقعی میانگین کل شاخصها، شاخصهای کمی را از شاخصهای کیفی جدا می‌کنیم تا رقم خالصتری از کیفیت و کارایی کتابخانه‌های عمومی به دست آوریم.

با جدا کردن شاخصهای کمی (تعداد کل کتابخانه‌ها، تعداد کل کتابهای موجود، تعداد کل اسناد سمعی - بصری، تعداد کل افزایش سالیانه کتاب، کل بودجه خرید مواد) از شاخصهای کیفی (تعداد کتابخانه‌ها به ازای صد هزار نفر، تعداد کتابهای موجود به ازای هزار نفر، تعداد اسناد سمعی - بصری به ازای هزار نفر، تعداد افزایش سالیانه کتاب به ازای هزار نفر، درصد کتابداران متخصص، بودجه خرید مواد به ازای هر کتابخانه)، ارقام مذکور در جدول شماره یک به صورت زیر تغییر می‌یابد:

■ در هر سال به طور میانگین به ازای هر صد هزار نفر ایرانی تنها ۳/۱ جلد کتاب به ذخیره کتابخانه‌های عمومی کشور افزوده می‌شود.

■ رقم تعداد اسناد سمعی - بصری به ازای هر صد هزار نفر در کشورهای در حال توسعه ۲ هزار برابر و در کشورهای توسعه یافته ۱۰۰ هزار برابر ایران را نشان می‌دهد.

۲- رقم شاخصهای کمی و کیفی (چه در صورت کلی و چه در صورت واقعی آن) با هم تفاوت دارند، بدین معنی که رقم شاخصهای کیفی در کشورهای در حال توسعه بهتر از رقم شاخصهای کمی است. به عبارت دیگر، اگر چه رقم شاخصهای کمی کتابخانه‌های عمومی کشور در حال توسعه نسبت به این رقم در کشورهای توسعه یافته به صورت کلی و واقعی به ترتیب برابر با ۵/۴ درصد و ۳/۴ درصد است، اما رقم شاخصهای کیفی به ترتیب به ۲۲ درصد و ۱۴/۵ درصد افزایش می‌یابد. این ارقام نشان می‌دهند که اگر چه کمیّت کتابخانه‌های عمومی و امکانات آنها در کشورهای در حال توسعه به طور میانگین ۴/۴ درصد (پ) این رقم در کشورهای توسعه یافته است اما کیفیت کتابخانه‌های عمومی در این کشورها به طور میانگین ۱۸/۲ درصد (پ) کشورهای توسعه یافته است و این امر یعنی برتری اولویت داشتن کیفیتها بر کمیتهای آنها.

۳- اگر چه رقم میانگین شاخصهای کیفی کشورهای در حال توسعه نسبت به رقم کمی همان شاخصها مطلوبتر است، اما وضعیت کتابخانه‌های عمومی ایران عکس این مسئله است. بدین معنی که ارقام شاخصهای کمی در کتابخانه‌های عمومی ایران بهتر از ارقام شاخصهای کیفی است. به عبارتی، اگر چه رقم میانگین واقعی و کلی شاخصهای کمی کتابخانه‌های عمومی ایران نسبت به کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته به ترتیب برابر با ۱۲۴ درصد (۱/۲ برابر) و ۷/۶ (پ) است اما رقم میانگین واقعی و کلی شاخصهای کیفی

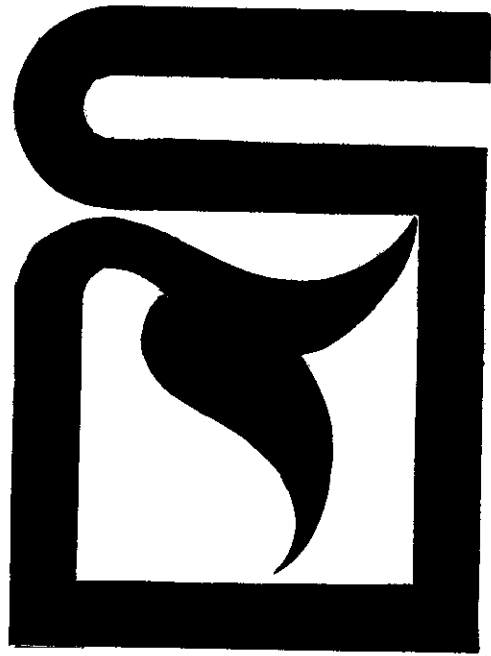
وضعیت ایران نسبت به کشورهای توسعه یافته (درصد)	وضعیت ایران نسبت به کشورهای در حال توسعه (درصد)	وضعیت کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای توسعه یافته (درصد)		میانگین کل شاخصها
		کلی	کمی	
۱۱/۳	۱۳۸/۴	۵/۴	۳/۲	کیفی
۵۴	۱۱۰	۳/۴	۲۲	
۱۰/۴	۳۲/۶	۱۴/۵	۱۴/۳	کمی و کیفی
۲/۷	۲۴/۸	۹/۴	۶۴/۱	
۱۰/۸	۸۱/۹			
۳/۲	۶۴/۱			

کتابخانه‌های عمومی ایران نسبت به کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته به ترتیب به ۲۸/۷ درصد (پ) و ۶/۵ درصد (پ) تقلیل می‌یابد.

این ارقام نشان می‌دهند که اندک رشد و توسعه کتابخانه‌های عمومی ایران، در کمیّت صورت گرفته است و نه در کیفیت. به عبارت دیگر، توجه اصلی به افزون سازی تعداد بوده است و نه تعداد به ازای جمعیت. باید توجه کرد که رشد و توسعه خدمات کتابخانه‌های

با توجه به جدول مذکور، مواردی به شرح زیر قابل ذکر است:

۱- افت رقم میانگین کل شاخصهای کمی و کیفی واقعی نسبت به رقم واقعی آن مشهود است. چنانکه رقم کلی کیفیت و کارایی کتابخانه‌های عمومی کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای توسعه یافته ۱۴/۳ درصد است، به هنگام محاسبه واقعی این رقم، به ۹/۷ درصد تنزل می‌یابد. این قضیه درباره کتابخانه‌های عمومی ایران نیز صادق است.



۹- تمرکز زدایی و توزیع عادلانه متناسب کتابها، نشریات، کتابداران متخصص و غیرمتخصص، هزینه‌ها و ... در بین کتابخانه‌های عمومی کشور بر حسب مواردی چون تعداد جمعیت کل و باسواد، تعداد دانش‌آموزان و دانشجویان، وضعیت محرومیت منطقه از لحاظ سایر امکانات ارتباطی و ...

۱۰- ایجاد ظرفیتهای جدید برای پذیرش بیشتر دانشجویان در رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی در مقاطع مختلف تحصیلی  
۱۱- انجام تبلیغات وسیع و دامنه‌دار توسط رادیو و تلویزیون و سایر رسانه‌های گروهی درباره اهمیت و فواید کتاب و کتابخوانی و تفهیم ضرورت آگاه بودن از رویدادهای جهانی و ملی به مردم (گسترش فرهنگ مطالعه و کتابخوانی).

۱۲- ایجاد تمهیداتی در جهت ارج‌گذاری به پایگاه و منزلت مؤلفان، مترجمان و دست‌اندرکاران فعالیتهای چاپ و نشر، در جهت افزایش کیفیت محتوای کتابها و نشریات که جاذبه‌های علمی و تفریحی برای خوانندگان داشته باشند (در کشور سوئد، به ازای هر باری که کتاب یک نویسنده به امانت می‌رود، مبلغی از سوی دولت به نویسندگان کتاب تعلق می‌گیرد این امر می‌تواند در تشویق نویسندگان به بالا بردن کیفیت کتب مؤثر باشد).

۱۳- ایجاد توازن همگانی نسبی در رشد عناصر و اجزای فرهنگ کشور با تکیه بر توجه بیشتر به رشد اسناد و مدارک کتبی و نوشتاری نظیر مطبوعات و کتابها (در کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران، رشد رادیو و تلویزیون - که نماینده فرهنگ شفاهی هستند - به مراتب بیشتر از رشد مطبوعات و کتابها - که اخبار و گزارشها را به صورت کتبی و نوشتاری ارائه می‌دهند - است و این امر به دلایل گوناگون از جمله میزان بالای بیسوادی عمومی و تمایل مردم به دیدن و شنیدن رویدادها از رادیو و تلویزیون به صورت شفاهی بدون زحمت مطالعه و خواندن به عنوان یک خصیصه فرهنگی ملی است).

۱۴- ایجاد اصلاحات و تغییرات کلی در سطح ساختارهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، خانوادگی، قانونی و ... کشور که به فرایند توسعه اقتصادی - اجتماعی، توسعه فرهنگی و نهایتاً کیفیت و کارایی کتابخانه‌های عمومی و بالعکس منجر شود. برخی از این اصلاحات و تغییرات عبارتند از:

- تفهیم ضرورت رسیدن به توسعه اقتصادی اجتماعی به مردم در جهت برانگیختن مشارکت آنان و بخش خصوصی در فرایند توسعه

- بسط و گسترش فرهنگ توسعه و توسعه فرهنگی  
- پرورش انسانهایی نو که از طریق فرهنگ مناسب توسعه توان به پیش بردن فرایند توسعه را داشته باشند

- برنامه‌ریزی منطقه‌ای و تمرکززدایی امکانات برای شکوفا کردن استعدادها و ظرفیتهای بالقوه مناطق محروم کشور

- ایجاد ثبات و امنیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، به گونه‌ای که امکان سرمایه‌گذاری بخش خصوصی فراهم شود.

- اختصاص بودجه مناسب برای فعالیتهای علمی و فنی و رواج فرهنگ علم باوری در بین مسئولان و مردم

- ایجاد علم درونزا و بر پایه هویت فرهنگی  
- استفاده از نظرات عالمانه و کارشناسانه متخصصان در

تصمیمگیرها

- بسط و گسترش کمی و کیفی شاخصهای توسعه فرهنگی،

علمی، پژوهشی، آموزشی و ...

عمومی در صورتی می‌تواند مفید واقع گردد که همگام و همراه باشد سایر عوامل (نظیر رشد جمعیت، رشد تعداد دانش‌آموزان و دانشجویان، رشد تعداد افراد باسواد و ...) باشد. در غیر این صورت نه تنها نیازهای جمعیت آینده به تمام و کمال برآورده نمی‌شود بلکه خواستها و نیازهای اندک جمعیتی که از خدمات کتابخانه‌های عمومی بهره می‌برند نیز مرتفع نخواهد شد.

## پیشنهادها

۱- افزایش کمیّت مجموعه مواد کتابخانه‌های عمومی (اعم از مواد چاپی و غیرچاپی)

۲- افزایش کیفیت مجموعه مواد کتابخانه‌های عمومی (فراهم آوردن اسناد و مدارکی که به روز بوده و نیازهای علمی و آموزشی دانش‌آموزان، دانشجویان و پژوهشگران را تأمین نماید. فراهم کردن کتابها و نشریات و سایر اسناد و مدارکی که مورد استفاده مراجعان قرار نمی‌گیرد، در واقع هدر دادن هزینه‌های اندک کتابخانه‌های عمومی است).

۳- همگامی و همراهی رشد مجموعه مواد کتابخانه‌های عمومی با رشد جمعیت باسواد، دانش‌آموزان، دانشجویان، پژوهشگران و ...

۴- استفاده صحیح و بجا از نیروهای متخصص موجود در رشته کتابداری (به‌کارگیری این افراد در فعالیتهای تخصصی کتابخانه نظیر فهرست‌نویسی، سیاهه برداری، خدمات مرجع، سفارش و خرید کتابهای مناسب و ...)

۵- توزیع مناسب و منطقی نیروهای متخصص کتابداری در کتابخانه‌های عمومی کشور به ترتیب اولویتها و نیازها

۶- تدوین خط مشی و سیاست مشخص برای انجام دادن صحیح و متناسب شیوه‌های مجموعه سازی کتابخانه‌های عمومی (همکاری کتابداران متخصص در امر سفارش و خرید کتاب و نیز ایجاد تناسب میان مجموعه مواد چاپی و غیرچاپی کتابخانه‌ها)

۷- استفاده کافی و مؤثر کتابخانه‌های عمومی از امکانات سایر کتابخانه‌ها - اعم از عمومی، دانشگاهی و ملی - در جهت رفع نیازهای مراجعان (عضویت در سرویس امانت بین کتابخانه‌ها)

۸- افزایش ظرفیت فیزیکی کتابخانه‌های عمومی (مساحت کل کتابخانه‌ها، فضای سالن مطالعه و مرجع، تعداد میز و صندلی و ...)